

کتابشناسی نخستین گام اطلاع رسانی است

صفحه: ۶۹-۸۴

فصلنامه اطلاع رسانی، دوره ۱۱، شماره ۱، زمستان ۱۳۷۳

حسین مسرت

یزد- صندوق پستی: ۷۵۹ - ۸۹۱۹۵

کلید واژه ها :

• کتابشناسی * تاریخچه * انواع کتابشناسیها

چکیده :

در اهمیت کتابشناسی، همین بس که بدون وجود آن، انجام هیچ تحقیق و پژوهشی به طور کامل به سامان نمی رسد.

انواع کتابشناسی :

گونه گونی سلیق و علایق مردم هر جامعه، دستداران نشر و گسترش فرهنگ را بر آن داشته که به تدوین کتابشناسیهای مختلف در زمینه های گوناگون دست بزنند. این کتابشناسیها نخست، هدف عمده و واحدی چون اطلاع رسانی را مد نظر دادند و در مرحله بعد، هرکدام نیز در چارچوب وظیفه ای که برایشان تعیین شده، به نوبه خود عملکردهای خاصی بر عهده می گیرند.

اهداف کتابشناسی :

کتاب عصاره تجربه، دانش و عمر انسانهاست؛ نشانه هویت و شخصیت يك ملت و کشور است؛ وظیفه انتقال آموخته ها و تجربه های نسلهای پیشین رابه نسلهای پسین بر عهده دارد؛ در يك کلام، کتاب پایه اصلی تمدن بشری است. برای آگاهی از وجود این گنجینه ها، به کتابشناسیها نیاز داریم و این میسر نمی گردد - مگر با پشتکار و همت اندیشوران، فرهیختگان و کمک سازمانهای دولتی و ملی، کتابشناسیها به دلایل گوناگونی - که در این مقاله، به آن دلایل نیز اشاره خواهد شد - در راه تدوین و چاپ، با دشواریهای چندگانه روبه رو هستند.

مقدمه

از آن هنگام که بشر توانست ذهن و اندیشه پویای خود را بر روی کاغذ آورده و آثار مکتوبی از خود بر جای بگذارد، سده هاست که می گذرد. گستردگی و تنوع کتابهای تالیف شده، نیاز به تدوین فهرستها یا سایه هایی را مطرح ساخت که اندیشوران و پژوهندگان از طریق آنها بتوانند، از آنچه پیشینیان یا کسان دیگر در موضوع مورد علاقه شان نوشته اند، آگاهی یابند. این کار، دو حسن داشت: نخست، راه دستیابی به اطلاعات و آموخته ها و تجربه ها را آسان می کرد و دیگر آنکه، مانع از دوباره کاری می شد. اکنون چند دهه است که این گونه فهرست را به نام کتابشناسی که ترجمه و Bibliographie است می شناسیم.

کتابشناسی چیست ؟

چون کتابشناسیها را اساس کتابهای مرجع دانسته اند، ابتدا بهتر است بدانیم: کتب مرجع به چه نوع کتابهایی گفته می شود؟ کتاب مرجع کتابی است که: " برای کسب اطلاع درباره موضوع خاصی به آن مراجعه می شود که به آسانی می توان مطالب مورد نظر را در آن پیدا کرد و نیازی به خواندن و مطالعه همه کتاب نیست. کتابهای مرجع به طور کلی به سه دسته تقسیم می شوند:

دسته اول: منابع اصلی مراجعه، مانند فرهنگ لغت و دائرة المعارف ها، زندگی نامه ها.

دسته دوم: منابعی که نقش واسطه دارند. مانند فرهنگ سخنوران، فهرست ها و کتابشناسی.

دسته سوم: منابع کمکی، مانند کشف المحجوب. " (۱)

همچون دیگر مباحث و موضوعات علمی، از سوی دانشمندان و خبرگان اهل کتاب از فن کتابشناسی، تعاریف گوناگونی ارائه شده که در زیر به ذکر چند نمونه از آن تعاریف بسنده می شود:

کتابشناسی عموماً ناظر بر دو انگاره است: یکی اطلاق بر آن دسته از فعالیتهای انسان که مواد نوشته در آن دخالت دارند، دیگری ابزارها و خدمات واسطه که مواد نوشته را از تولید کننده به استفاده کننده نهایی منتقل می سازند. به عبارت دیگر کتابشناسی، هم به يك فرآیند اطلاق می شود و هم به عینیتی که حاصل آن فرآیند است. در این باب، شاید بهترین تبیین از مالک (Maldes) باشد که " کتابشناسی " و " فن کتابشناسی " را بدین شکل از یکدیگر تفکیک می کند که: منظور از " فن کتابشناسی " کاربرد قوانین مشخص جهت جستجو، تشخیص، تبیین و رده بندی مواد و

مدارك است و این فن به حاصلی می انجامد که آن را " کتابشناسی " می خوانیم . " (۲)

" کلاپ نیز کتابشناسی را از دو نقطه نظر بررسی می کند : به عنوان یک علم و به عنوان یک فن . وی معتقد است که کتابشناسی به عنوان یک علم پیکره منتظمی از دانش بشری است که به کتابها از تمام جهات و جوانب می نگرد . (خواه به عنوان واحدهای فیزیکی و یا وسیله هایی برای انتقال افکار و عقاید) . به عنوان فن ، کتابشناسی شامل مجموعه فعالیتها پی است که به گرد آوردن ، تنظیم و ارائه اطلاعاتی درباره کتابها منجر شود . " (۳)

" اشناپدر از سوی دیگر ، کتابشناسی را " علمی کمکی " برای تمام علوم می داند ؛ زیرا بهت اعتقاد وی کتابشناسی با فهرست کردن مواد مکتوب وابسته به علوم مختلف ، مطالعات تاریخی و آماری محققان در هر رشته علمی را ممکن می سازد و نیز بنیان تحقیقات بعدی را پی ریزی می کند . از سوی دیگر علوم نیز به نوبه خود مواد تازه تری برای کتابشناسی ها فراهم می آورد . " (۴) دکتر حری در این زمینه می نویسد : " هر گونه منبعی که نام و مشخصات (و احتمالاً توصیف و بررسی) مآخذ و دیگر - اعم از کتاب ، جزوه ، نوار ، صفحه ، فیلم ، میکروفیلم ، یا هر گونه نوشته و یا ضبط شده دیگری - را سیاه کرده باشد کتابشناسی نامیده شده است . اینگونه منابع علاوه بر آنکه خود ممکن است مستقیماً مورد استفاده جوینده قرار گیرند و رفع حاجت کنند ، به منابع دیگر نیز راهگشا هستند . " (۵)

در فرهنگ اصطلاحات داکوماتاسیون ، کتابشناسی بدین گونه تعریف شده است :

" ۱ - دانشی که به تجزیه و تحلیل کمی و کیفی و تاریخی آثار و نوشته های مکتوب می پردازد ؛ ۲) دانشی که تحول آثار مکتوب را در طول تاریخ و با توجه به عوامل موثر و متاثر مورد مطالعه قرار می دهد ؛ ۳) مجموعه ای که حاوی اطلاعات کتابشناسی آثار خطی و یا چاپی بوده و با نظم بخصوص و به قصد استناد و ارائه اطلاعات تهیه شده باشد ؛ ۴) از روی مسامحه ، در معنای کتابنامه - اثری که فقط کتابهای مربوط به یک شخص یا یک رشته را معرفی می کند - هم به کار می رود . " (۶)

اصطلاحنامه کتابداری کتابشناسی را به این شرح تعریف می کند :

" ۱ - مطالعه شکل مادی کتابها ، مقایسه اختلاف موجود در چاپها ، تحریرها و نسخه ها ، به منظور تعیین تاریخ و تحول متنها . معمولاً کتابشناسی برای نسخ خطی و نادر به کار می رود . فرق کتابشناسی با فهرست در آن است که ، کتابشناسی الزاماً صورتی از مواد موجود در مجموعه یک کتابخانه یا گروهی از کتابخانه ها نیست . ۲ - کتابشناسی یا کتابنامه عبارت است از فهرست کتابها و دیگر مواد خواندنی . به فهرستی که معمولاً در آخر کتاب به عنوان منابع و مآخذ می گذراند نیز کتابنامه گویند . " (۷)

هوشنگ ابرامی در توضیح کتابشناسی می نویسد : " کتابشناسی با یک نقشه جغرافیایی قابل قیاس است . این منبع در دنیای سرسام انگیز کتابها و وسایل دیگر ارتباط جمعی راهنمای کتابدار است . هیچ کتابخانه نوینی قادر نیست بدون کتابشناسی وظایف خود را انجام دهد . تقاضا برای یک کتاب ، برحسب عنوان ، مولف یا موضوع بسیار معمول است . کتابشناسی برای سفارش کتاب ، نه تنها اطلاعات کامل را به دست می دهد ، بلکه وسیله ای برای رفع اشتباهات است . " (۸)

کامران فانی کتابشناسی را این گونه تعریف می کند : " کتابشناسی فهرست یا صورتی از کتابها با ذکر اجزای اصلی آن است که به شیوه ای خاص تهیه شده باشد . " (۹)

و ایرج افشار در باره کتابشناسی می نویسد : " کتابشناسی وسیله تحقیق و تجسس است ، نه کتاب خواندنی یا متن مورد تحقیق . " (۱۰)

در کتابشناسی جغرافیای ایران ، در تعریف کتابشناسی ، این شرح آمده است : " یکی از وسایل تحقیق و پژوهش در هر علمی ، دسترسی داشتن به کلیه تحقیقات قبلی که روی آن موضوع به عمل آمده می باشد . مجموعه ای از عناوین آن تحقیقات را که در یک جا جمع شده باشد ، اصطلاحاً کتابشناسی آن علم می گویند . " (۱۱)

در کتابشناسی توصیفی جغرافیا ، کتابشناسی این گونه تعریف شده است : " کتابشناسی هر علمی بر آن علم به منزله نقشه برای جغرافیاست . همانگونه که نقشه ابزار دست جغرافیدان است و بدون آن در امر تحقیق با مشکل مواجه می گردد ، کتابشناسی علوم مختلف نیز همین نقش را برای محققین آن دارد . " (۱۲)

و سرانجام آنکه :

" در عصر حاضر حجم انتشارات به صورتهای گوناگون اعم از کتاب یا دیگر اشکال انتشاراتی ، چون صفحه و نوار به حدی است که برای پژوهشگران و نیازمندان به این اطلاعات و دستیابی به این منابع ، بدون بهره گرفتن از منابع و مراجع نظام یافته نامتحمّل و حتی گاهی ناممکن می باشد . از جمله این مراجع می توان از انواع کتابشناسیها یاد کرد . کاربردهای عمده کتابشناسیها را شاید بتوان به شرح زیر خلاصه کرد :

کتابشناسی وسیله ای است برای کتاب و دیگر منابع در زمینه مورد نظر . کتابشناسی وسیله گردآوری اطلاعات کتابشناختی نوشته های مربوط به یک موضوع است .

کتابشناسی وسیله ای است برای بهره گیری بهتر از دانش موجود و از تجربه های دیگر جوامع .

کتابشناسی وسیله ای است برای اعتلای سطح کیفی پژوهشها . " (۱۳)

افرادی همچون دکتر اس ار . رانگانانان دکوماتاسیون را مرادف کتابشناسی گرفته اند " با این تفاوت که {رانگانانان} وظیفه تحلیل جزئیات مطالب مندرج در مقالات نشریات و تنظیم کتابشناسیها ، خدمات مرجع و تکثیر ماشینی مطالب مورد نیاز خوانندگان را در حوزه فعالیت دکوماتاسیون شناخته است . رانگانانان می گوید : دکوماتاسیون چیزی نیست - مگر خدمات مرجع گسترش یافته . " (۱۴) و تهیه کتابشناسیها را یکی از خدمات دکوماتاسیون می داند . اما " کانتیکار " در مقاله دکوماتاسیون و علم کتابداری متذکر می گردد : " اصطلاح کتابشناسی و دکوماتاسیون عملاً با دو معنا و کاربرد متفاوت نزد اهل فن معروف گردیده است کتابشناسی ، چه در معنای سنتی و چه در معنای قرار دادی ، معمولاً به سیاهه کتابها یا به عبارت دیگر ، به موارد کلان اطلاق می شود . حال آنکه دکوماتاسیون برای مواد غیر چاپی و بویژه برای مواد خرد به کار رفته است . " (۱۵)

تاریخچه کتابشناسی

۱ : از کتابشناسی در جهان

" کلمه کتابشناسی طبق نوشته "پیرسن " سابقه طولانی ۲۵۰۰ سالانه دارد . کلمه کتابشناسی که اغلب به طور عام به کار می رود نشان دهنده فهرست کتابهای است که از نظر موضوع نزدیک به یکدیگر باشند . در حدود پنج قرن قبل از میلاد مسیح ، کراتی نوس میجر ، از اهالی یونان کلمه کتابشناسی را به معنی نویسنده یا کاتب کتاب به کار برده است . کتابشناسی به این معنی تا سال صد میلادی به کار برده شد و از آن ایام به بعد ، شخص دیگری به نام دیوسکوریدز ، کلمه بیلوگرافیا را که به معنی نوشتن کتاب می باشد معرفی نمود . : (۱۶) آقای کامران قانی درباره پیشینه تهیه این گونه فهرستها و کتابشناسیها می نویسد : " قدمت تهیه چنین فهرستهایی به یک معنی با قدمت کتابخانه ها برابر است . کتابخانه آشور بانیپال (قرن ۷ ق . م) که از دهها هزار الواح گلی تشکیل یافته بود ، دارای ، فهرستی بود که آن هم بر روی لوحه های گلی نقر شده بود . کتابخانه بزرگ اسکندریه نیز ، که به قولی ۶۰۰ هزار طومار و کتاب در آن وجود داشت ، دارای فهرست موضوعی کتابها بود . پس از اختراع چاپ و فزونی گرفتن انتشار کتاب ، تهیه و تدوین کتابشناسی در اروپا مورد توجه قرار گرفت . " (۱۷) آقای دانشی درباره کهنترین کتابشناسی چنین نظر دارد : " از جمله کهنترین کتابشناسیها اثری است از کلودگالین پزشک یونانی ، که در قرن دوم میلادی تدوین شده . این کتابشناسی شامل مشخصات کتابها و رساله هایی بود که تا آن زمان در زمینه های مختلف پزشکی تهیه شده بود . " (۱۸)

اما آقای مرادی به این باور است که : " نخستین کتابشناسی توسط جالینوس ، پزشک یونانی تهیه شد که در دو جلد آثار وی را در بر می گرفت و بیشتر یک کتابشناسی خصوصی به حساب می آید . در سال ۷۲۱ میلادی یکی از دانشمندان به نام " بید " کتابنامه ای از آثار کلیسا تهیه کرد . در سال ۳۷۷ ه . ق این ندیم ، کتابنامه ای با نام " الفهرست " تدوین کرد که در حقیقت تاریخ علوم و از قدیمیترین کتابشناسیهای جهان اسلام است و آثار و کتابهای عربی دانشمندان ایران ، یونان و هند و سایر مسلمانان را به ترتیب موضوعی در بر می گیرد . " (۱۹) و آقای افشار گفتاری دارد درباره کتابشناسی نوین اروپا که چنین آغاز می شود :

" نخستین کتابشناسی اروپایی در سال ۱۴۹۴ یعنی پس از ۳۷ سال که از ایجاد صنعت چاپ می گذشت ، به نام *scriptoribus ecclesiasticis Liber de* محتوی بر فهرست آثار مولفین کلیسا انتشار یافت اولین کتابشناسی جهان از نوع عمومی ، فهرستی است که conard Gesner زبانشناس زوریخی به نام *Binliotheca universalis* به سال ۱۵۴۵ به طبع رسانید و در آن ، فهرست پانزده هزار کتاب لاتینی ، عربی و یونانی به ترتیب الفبایی اسم شخصی مولفین جمع آوری شده بود .

در سال ۱۵۴۸ نخستین کتابشناسی مربوط به تالیفات نویسندگان یک مملکت که آن را باید اولین " کتابشناسی ملی " نامید توسط John Bale در انگلستان منتشر شد . " (۲۰)

۲ : کتابشناسی در اسلام و ایران

آقای ایرج افشار در مقدمه فهرست نامه کتابشناسیهای ایران می نویسد :

" فن کتابشناسی در ایران ، از نظری جوان و از جهتی کهنسال است . جوان است به اعتبار آنکه فن کتابشناسی به شیوه علمی اروپایی بیش از چند سالی نیست که در ایران رواج یافته و کوششهای مقدماتی درین زمینه آغاز شده است . اما کهنسال و سالخورده است بدان علت که تدوین فهرست کتب از قرون چهارم و پنجم در پهنه اسلامی عالم ، باب بوده است و کتب اختصاصی درین باب از آن ایام به جای مانده و در کتابهای رجال و طبقات روات و احوال علماء و نویسندگان ، فهرست آثار و کتب آنها ذکر می شده است . کتابهای الفهرست و فهرست طوسی و فهرست منتخب الدین از مراجع مهم کتابشناسی ملل اسلامی و در شمار کتابشناسیهای قدیمی جهان به شمار می آید . " (۲۱)

آقای محمد حسین تسبیحی نیز در مقدمه جهان کتابشناسیها می نویسد :

" اگر ما " بیلوگرافی " را معادل فهرست " بگیریم در آن صورت معلوم می شود که کاربرد کتابشناسی در زبان فارسی

، نمی تواند واژه جدیدی باشد. تاریخ ایران و زبان و ادبیات آن نشان دهنده این است که این کشور قبل و بعد از آمدن اعراب و تهاجم مغول از کتابخانه های متعددی برخوردار بوده است. البته جای هیچ گونه شبهه ای نیست که کتابخانه های مزبور نمی توانستند بدون نوعی " فهرست " و یا " کتابشناسی " به فعالیت خود ادامه دهند. " (۲۲)

بواسطه گذشت زمان و بویژه به دلیل یورش مغولان و دیگر اقوام غارتگر و کتابسوزیها چند باره ، از وجود نخستین تلاشهای انجام یافته در این زمینه در ایران ، اطلاع درستی نداریم. تنها و قدیمیترین آگاهی که در زمینه فهرست کتابهای ایرانیان داریم ، مربوط می شود به کتاب ارزنده و میسوط " الفهرست " نوشته محمد بن اسحاق الندیم و ارق بغدادی ، معروف به این الندیم که علوم متداول آن زمان را به ده بخش جداگانه تقسیم نموده و ذیل هر بخش به آثاری که در آن زمینه ، تالیف و تدوین یافته اشاره دارد. بعدها نیز ، دانشمندانی چون ابوریحان بیرونی ، شیخ طوسی فهرستهایی از این گونه تدوین و تبویب کردند .

ایرج افشار درباره تاریخ کتابشناسی در اسلام و ایران می نویسد :

" تدوین فهرست کتابخانه در میان مسلمین ، سابقه ای قدیم دارد. ابن سینا در سرگذشتی که از خویش نوشته است ، می گوید که در کتابخانه بخارا فهرست کتب اوایل را دیدم و مطالعه کردم. ابن خلدون می نویسد که اسامی دواوین شعرا در کتابخانه قرطبه در عهد بنی امیه ، بالغ بر هشتصد و هشتاد صحیفه بوده است تالیف کتابشناسی به معنای مصطلح امروز ، یعنی فهرست کتب بدون توجه به محل وجود آنها نیز ، در میان مسلمین مرسوم بوده است . کتاب الفهرست یا فهرس العلوم تالیف ابن الندیم از وراقان بغداد ، نمونه ای قدیم و بسیار معتبر و مشهور از کتابشناسی اسلامی است ... ناگفته نماند که عده ای از کتب رجال و تراجم اعیان و طبقات را نیز باید در زمره کتابشناسیها به شمار آورد و آنها کتابشناسیهای است که به ترتیب اسامی مولفین مرتب شده است ، مانند معالم العلماء تالیف ابن شهر آشوب و نزهه الالباء فی طبقات الادباء

پس از الفهرست دو کتاب مهم دیگر در فهرست کتب اسلامی به دست داریم. یکی " مفاتیح السعاده و مصباح السیاده " تالیف طاشکبری زاده (متوفی در ۹۶۸) و دیگری " کشف الضنون عن اسامی الکتب و الفنون " تالیف حاجی خلیفه (متوفی در ۱۰۶۸) است ... جز این دو ، باید به کتاب " فهرست الکتب و التالیف " اثر ابی بکر محمد بن خلیفه الاشبیلی متوفی در ۵۷۲ اشاره کرد که حاوی نام و نشان یک هزار و چهارصد کتاب زبان عربی است. " (۲۳)

در عصر کنونی ، پیشگام تدوین کتابشناسی در ایران را می توان ، آقا بزرگ تهرانی نام برد که در مجلات ۲۶ گانه کتاب نام آور خود الذریعه الی لتصانیف الشیعه ، به گردآوری و شناسایی چندین هزار جلد کتاب عربی و فارسی پرداخته که به وسیله دانشمندان و نویسندگان شیعه مذهب نگارش یافته است. اما تالیف کتابشناسی فارسی به شیوه ای که امروز رایج است ، در ایران سابقه چندانی ندارد و نخستین قدم را در این زمینه ، ایرج افشار با تالیف " کتابشناسی ایران " برداشت. وی در سال ۱۳۳۳ ش. موفق شد با همکاری حسین بنی آدم ، نخستین کتابشناسی علمی و روزآمد زبان فارسی را به چاپ برساند. از آن زمان ، این کتابشناسی با عناوین تقریباً مشابهی از سوی انتشارات ابن سینا و انجمن کتاب چاپ شد. از سال ۱۳۴۲ به بعد ، کتابخانه ملی ایران ، عهده دار چاپ کتابشناسی سالانه ایران شد و به امر گسترش مطالعات و فرهنگ ایران و زبان فارسی ، خدمتی بس بزرگ کرد. نقص عمده و بزرگ کتابشناسی کتابخانه ملی در برداشتن نام بسیاری از انتشارات بنگاههای دولتی و برخی ناشران خصوصی ، به دلیل نبودن قانون ارسال یک نسخه از هر کتابی به آن کتابخانه است.

دومین گام را در این زمینه ، مرحوم خانابامشار با تالیف " فهرست کتابهای چاپی فارسی " برداشت که نخستین جلد آن به سال ۱۳۳۷ چاپ شد. این فهرست ، بعدها با افزودگیهایی توسط بنگاه ترجمه و نشر کتاب در سال ۱۳۵۲ در سه جلد چاپ شد. همزمان با آن نیز ، خود مشاور به تکمیل کارش پرداخت و به چاپ دوره پنج جلدی آن در سالهای ۱۳۵۵ - ۱۳۵۰ همت گماشت. از مزایای برجسته این کتاب ، در برداشتن نام بسیاری از کتابهای چاپ شده سراسر ایران است که به واسطه مسافرتها مکرر مولف به شهرهای ایران و عراق ، میسر گردیده است. " مشار یک تنه به این کار پرداخته و با شوقی وافر سراسر خاک ایران را زیر پا گذارده و در طی سی سال به هر کتابخانه و دکه کتابفروشی در تهران و قم و اصفهان و مشهد و تبریز و نجف و کربلا سرزده ، هر کجا یادداشت برداشته و مجموع این عرق ریزی روح را در دو مجلد در ۱۳۳۷ - ۱۳۴۲ منتشر کرده است ... کتاب مشار مهمترین مآخذ شناخت کتابهای چاپی فارسی است . " (۲۲)

به تعبیری دیگر می توان نخستین کوششها را در این زمینه ، فهرست کتابخانه های تبریز (۱۳۰۳) ، فهرست کتابخانه مجلس (۱۳۰۵) و فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی (۱۳۰۵) دانست. و در مرحله بعد در این زمینه ، به فهرست کتابهای ناشران خصوصی ایران ، همچون : کلاله خاور (۱۳۱۱) ، علمی (۱۳۲۵) به عنوان کتابشناسیهای عمومی اشاره کرد. اما کتابشناسی موضوعی ، در ایران در مقایسه با کتابشناسیهای عمومی ، یا به عبارتی دیگر در مقایسه با فهرست کتابها از پیشینه نسبتاً کمتری برخوردار است. فهرستی از این گونه کتابها که در موضوعات گوناگون در ایران چاپ شده ، در سه تاب " فهرست نامه کتابشناسیهای ایران " (ایرج افشار) ، " نگرشی جامع بر جهان کتابشناسیهای ایران " (غلامحسین تسبیحی) و " کتابشناسی کتابشناسیها " و کتابشناسیهای موضوعی " (علی

آقا بخشي (آمده است .

خوشبختانه در چند سال اخير پا به پای گسترش علوم گوناگون در ايران ، چاپ کتابشناسیهاي موضوعي نیز رواج نسبتاً خوبی پیدا کرده است .

اهمیت و ضرورت کتابشناسی

در اهمیت کتابشناسی ، همین بس که بدون وجود آن هیچ تحقیق و پژوهشی به طور کامل به سامان نمی رسد . به عنوان مثال ، هرگاه خواسته باشیم ، پیرامون زندگی و آثار يك سخنور سده دهم ، مانند وحشی بافقی تحقیق جامع و وافی به عمل آوریم ، اگر ندانیم در چه کتابها و نشریاتی می توانیم در این باره ، مطلب یا شرحی بجویم ، بی گمان بسیاری از وقت و نیروی خود را هدر داده ایم . به روزها و گاه سالها وقت نیاز خواهد بود ، تا تمامی نشریات و کتابهای ادبی و تاریخی را از دیده بگذرانیم و مطلب مورد نظر را بیابیم . در حالی که تنها با مراجعه به چند کتاب ، همچون : فهرست مقالات فارسی (در چهار جلد تالیف ایرج افشار) و فرهنگ سخنوران (عبدالرسول خامپور) ، می توان سریعتر و آسانتر به خواسته خود رسید . و بسیار راههای پیموده شده را از سر نیموده و چنانچه درباره موضوعی تحقیق انجام شده ، از تکرار آن بپرهیزیم ، و بلکه با آگاهی از آنچه در گذشته به سامان رسیده ، دنباله آن را گرفته و آن تحقیق را تکمیل کنیم .

" در زبان لاتین جمله ای مشهور است که گفته شده است : کسی که می داند علمی در کجا یافت می شود به آن کسی که عالم آن است نزدیک می شود . " (۲۵)

ساموئل جانسون محقق و فرهنگ نویس انگلیسی در این باره می نویسد :

" دانش بر دو قسم است : یا موضوعی را میدانیم ، و یا می دانیم در کجا می توانیم اطلاعاتی درباره آن بیابیم . وقتی ما راجع به هر موضوعی می خواهیم تحقیق کنیم ، نخستین کاری که باید انجام دهیم آن است که بدانیم چه کتابهایی در آن موضوع بحث می کند . " (۲۶)

دانشمندی دیگر - اولیوروندل هلمز - همین مطلب را با توضیحی بیشتر تشریح می کند : " هیچ گاه سابقه حقایق آن قدر کهنه نمی شود که خالی از فایده باشد ، مشروط بر اینکه طرق مطمئن و آماده ای برای دسترسی به حقیقت یا حقایق جدیدی که در جستجوی آنها هستیم داشته باشیم . این مطلب مرا بر آن می دارد ، تا درباره چیزی که به نظر من یکی از کارهای اساسی است که باید توسط دانشمندان نسل حاضر و آینده انجام گیرد گفتگو کنم ... منظور من تهیه کتابشناسیهاي مختلف است . " (۲۷)-

برای آنکه بهتر و بیشتر پی به اهمیت کتابشناسیها ببریم ، به آوردن نکاتی از گفته ها و نوشته های کتابشناسان خیره ایران و جهان مبادرت می شود :

ایرج افشار درباره اهمیت کتابشناسی می نویسد : " امروزه تحقیق و تتبع در حدی که وقوف کامل بر موضوع حاصل شود ، بدون مراجعه به کتابشناسی میسر نیست . فن کتابشناسی ، چندان اهمیت یافته است که بسیاری از موسسات جهانی ، مانند سازمان ملل متحد و یونسکو و غالب مجامع علمی و دانشگاهی درین باب ، کوششهای مداوم و موثر می کنند و انتشارات مخصوص ومفید دارند . " (۲۸)

و در " کتابشناسی توصیفی انتشارات مخصوص دانشگاه چمران اهواز " می خوانیم :

" امروزه دیگر ضرورت وجود کتابشنسیها و مدارکی از این دست ، بر هیچ کس پوشیده نیست و بویژه در عصری که وسعت روزافزون دانش ، مسئله " انفجار اطلاعات " را به میان کشیده و به دنبال آن سخن از " انفجار جهل " می رود ، همه اهل علم و پژوهش نیک می دانند که سرعت و سهولت تحقیق در جهان امروز ، تا چه حد به وجود کتابشناسیها ، ازهر نوع آن ، بستگی دارد . و این گونه مواد تا چه حد از اتلاف وقت و دوباره کاریهاي علمی پیشگیری می نماید . " (۲۹)

نیز در زمینه کاربرد و اهمیت کتابشناسی ، نورالله مرادی چنین می نویسد :

" بنابر گزارشها و آمارهای یونسکو ، درسال پانصد هزار عنوان کتاب در سراسر دنیا به زبانهای گو ناگون منتشر می شود . نرخ رشد صنعت نشر بین المللی ، بسیار بالاست و تقریباً سه برابر سریعتر از رشد جمعیت دنیا افزایش می یابد و تازه مردم می میرند ، در حالی که کتابها باقی می مانند . به علاوه مقالات نشریات ادواری و گزارشات و جزوات چاپ شده و همچنین مواد دیداری و شنیداری را نیز ، باید به این ارقام اضافه کرد . با در نظر گرفتن چنین دریای عظیمی ، آیا هیچ محققى را توانایی آن هست که از آنچه در زمینه کارش منتشر می شود آگاهی پیدا کند ؟ برای محققان و پژوهشگران ، در این دنیای عظیم انتشارات ، کتابشناسی در حکم نقشه دریایی حرکت نمی کند ، هیچ کتابخانه نوینی نیز ، بدون راهنماهاي کتابشناختی امیدی به کارآیی نخواهد داشت . کتابشناسی ابزار کار ، یار و یاور کتابدار است . " (۳۰)

همچنین دکتر ابوالقاسم رادفر ، اهمیت کتابشناسی را این گونه توضیح می دهد : " بر ارباب پژوهش و رهروان وادی تحقیق ، هیچ گاه ارزش و اهمیت کتابشناسی پوشیده نبوده است . همچنین این نکته که ، زمانی اثری ارزشمند

است که در نوع خود تازه و سودمند و از خطاهای آثار مشابه خود مبرا باشد ، بر همگان روشن است .
ضرورت تحقیق در رشته ای خاص ، وقتی پیش می آید که در آن موضوع ، کاری در خور صورت نگرفته باشد . اینجاست که محقق راستین و صاحب ابتکار ، وارد میدان می شود و به تحقیق و تفحص می پردازد تا کمبودهایی را که اهل پژوهش و تشنگان جرعه زلال دانش در پی آن هستند ، به نوبه خود جبران کند . پژوهشگران متتبع ، باید از کم و کیف کارهای انجام گرفته در زمینه مورد تحقیق خود ، اطلاع حاصل کند و این کار جز از طریق مراجعه به کتابشناسیها ، فهرستها و مآخذ کتابخانه ای امکان پذیر نیست . در اینجاست که ارزش کار کتابشناسی و کاربرد آن مشخص می شود و ضرورت طرح و توسعه این رشته ، که بحق بازوی توانای اهل تتبع و تحقیق است ، روشن می گردد و لزوم تدوین و تنظیم کتابشناسی ، در زمینه های گوناگون ، بویژه در زمینه ادب و موضوعهای همه علمی و ادبی معلوم می شود .
" (۳۱)

و سرانجام در این باره ، در مقدمه " کتابشناسی کتابشناسیها " آمده است که :
" اصولاً هر پژوهشی ، محتاج شناخت موضوع و منابع مربوط به آن است و کتابشناسیها و فهرستها پایه و اساس این شناخت محسوب می گردند " (۳۲)

در اینجا ، لازم است چند نکته نیز در باب ضرورت کتابشناسی یادآوری شود :
ضروری ترین وسیله برای دستیابی به مدارک جهت پژوهشگران و نیز راهنمایی دانشجویان در زمینه کارهای تحقیقی ، در اختیار داشتن فهرستها و چکیده های مقالات و نیز کتابشناسیهای موضوعی به زبان پارسی ، در رشته های مختلف علوم و هنرها در کتابخانه هاست ، چرا که هر جامعه علمی که بخواهد حق تحقیق و پژوهش را ادا نماید ، چاره ای جز تهیه مجموعه هایی این چنین که به منزله کلیدی برای یافتن مطالب مورد نظر در انبوه منابع مختلف می شود ندارد .
" یکی از کارهای لازم که باید در هر زمانی انجام بشود ، گردآوری فهرست کتابها و رساله ها و مجله هایی که در آن زبان انتشار می یابد فایده این کار تنها آن نیست که هم اکنون علاقمندان به نام و نشان کتب آشنا می شوند ، بلکه سود بیشتر ، آن است که کار ارباب تحقیق و مطالعه را برای جستجوی نام کتاب یا نام مولف یا تاریخ چاپ و سایر مشخصات آن د رآینده آسان می سازد . " (۳۴)

" کتابشناسی و فهرست راهنما از ابزار مهم تحقیق و کلید پژوهش علمی است . در سالهای اخیر با اینکه تدوین و چاپ کتابشناسیهای موضوعی در ایران رایج شده است ؛ اما هنوز برای مجلات و نشریات ادواری فهرستهای مدون وجود ندارد و این کمبود با توجه به حجم عظیم انتشارات ، در کار تحقیق خللی پدید می آورد . استفاده از مطالب گوناگون و متنوع نشریات ، زمانی آسان و از نظر صرف وقت مقرون به صرفه می شود که بتوان عناوین مقالات و رؤس مطالب آنها را استخراج و با نظامی الفبای مرتب کرد . تورق همه شماره های یک نشریه ، برای دستیابی به مطلبی خاص برای علاقه مندان و خوانندگان عادی ، شاق و برای پژوهشگران بس وقت گیر است و فهرست جامع ، بهترین وسیله در دسترس است که می تواند آنان را در این راه یاری کند . " (۳۵)

این نکته نیز در خور توجه است ه " کتابشناس " نیز ، دارای همان میزان اهمیت " کتابشناسی " است . چنان که :
کتابشناس کسی است که بداند در علم بخصوص چه کتابهایی انتشار یافته . و از چه منابع و مآخذی می توان درباره آن علم کسب اطلاع کرد . " (۳۶)

حال که به اهمیت کتابشناسی واقف گشتیم ، بهتر است ببینیم ، این کتابشناسیها در اجتماع به درد چه گروه از مردم خواهد خورد . بنا به نظر دکتر محسن صبا ، اهم گروههایی که می توانند در این مسئله ذی نفع باشند ، بدین قرارند :

۱. دانشمندان و پژوهندگان : که جویای آگاهی از دانسته ها و تحقیقات جدیدند .
۲. کتابداران : که پاسخگوی تشنگان دانش و فرهنگ اند /
۳. دستداران کتاب : که در پی غنی ساختن مجموعه های خویش اند .
۴. کتابفروشان : که با آگاهی از کتابهای پر خواننده و پر فروش دراندیشه جلب مشتری می افتند .

انواع کتابشناسی

گونه گونی علایق و سلیق مردم هر جامعه ، دستداران نشر و گسترش فرهنگ را بر آن داشته که به تدوین کتابشناسیهای مختلف در زمینه های گوناگون دست بزنند . این کتابشناسیها ، نخست عطف عمده و واحدی چون " اطلاع رسانی " را بر عهده داشته و درمرحله بعد ، هر کدام نیز به نوبه خود در چارچوب وظیفه ای که برایشان تعیین شده ، عملکردی خاص می یابند . آقای هوشنگ ابرامی دراین باره می نویسد :

" عملاً میزان افزایش انتشارات ملی و بین المللی ، در حدود سه برابر رشد جمعیت دنیا است . برای کتابشناس ، حتی دشوار است که از عهده کنترل همه انتشارات برآید . از این رو ناگزیر ، خود کتابشناسی به رشته های اختصاصی و موضوعی رده بندی می شود . و اغلب یک حیطه خاص ، یک شکل معین از وسایل ارتباطی و یا یک موضوع را دربر می گیرد . " (۳۷)

آن گونه که بایسته علوم نظری است ، در این مباحث نیز ، از " کتابشناسی " تعاریف و تقسیمبندیهای گوناگونی در

دست است که برای اطلاع از چگونگی آنها ، در هر بخش به جامعترین تعاریف اشاره می شود ، هرچند در این راستا ، سعی شده برای آنها تقسیمبندی واحدی نیز در نظر گرفته شود.

۱ - انواع کتابشناسی از نظر هدف

الف - تحلیلی Analytical

نوع نخستین کتابشناسی که عموماً به نامهای تحلیلی ، انتقادی و یا تاریخی نامیده می شود ، تنها برای متخصصان سودمند می افتد . در کتابشناسی تحلیلی ، یک اثر از هر نظر ، بویژه از دو زاویه مورد مطالعه قرار می گیرد : (۱) ویژگیهای طبیعی چون نوع کاغذ ، صحافی ، تصاویر و ... (۲) خصوصیات متن برای تعیین اختلافات یک اثر با اثر دیگر . از این رو ، یک چنین کتابشناسی که مثلاً ممکن است برای آثار ادبی کلاسیک باشد ، بیشتر به کار پژوهشگران می آید . " (۳۸)

" کتابشناسی تحلیلی ، بیشتر با جنبه های مادی کتاب سر و کار دارد و در حقیقت نماینده جنبه علمی کتابشناسی است . کوشش کتابشناسی تحلیلی ، بر این است که اطلاعات حاصله از خصوصیات مادی کتابها را سازمان بخشند و از این طریق ، شواهد و مدارکی برای تاریخ کتابها و بخصوص متونی که این کتابها در زمره آنهاست به دست آورد . این روش مطالعه ، همزمان با پیدایش صنعت چاپ آغاز شد و بعدها محرکی شد تا با مطالعه ویرایشهای جدید کتابهایی چاپی قدیمی درباره کیفیت چاپ و انتشار و سایر مسائل آن تحقیق کنند . همچنین در کتابشناسی تحلیلی ، مسایلی از قبیل مولفان گمنام یا با نامهای مستعار و تالیف جعلی و مخصوصاً تحقیق و تتبع در اقتباسها و منابع متون مورد بحث قرار می گیرد . " (۳۹)

" در این نوع کتابشناسی ، منابع مربوط به یک موضوع ، رشته یا شخص خاصی توسط کتابشناس خبره یا متخصص موضوعی ، با دقت بررسی ، توصیف ، معرفی ، تحلیل و نقادی می شود . کتابشناسی تحلیلی ، یکی از بهترین و مفیدترین ابزار پژوهشهای علمی است . " (۴۰)

ب - توصیفی Descriptive

" در کتابشناسی توصیفی ، بیشتر جنبه های هنری کتابشناسی در نظر است و هدف مستقیم آن شناساندن و توصیف مرتب و منظم کتابهای است که برای تحقیق در منظور خاصی ممکن است به آنها نیاز باشد ، و یا کتابهایی که خصوصیات مشترک دیگری با یکدیگر دارند . کتابنامه نیز در حقیقت محصول برجسته این روش است . " (۴۱)

" کتابشناسی توصیفی ، دارای سه وظیفه اساسی است : (۱) تعیین کتابهایی که درباره هر موضوع وجود دارد ؛ (۲) توصیف یکایک آنها ؛ (۳) تنظیم آنها به شکلی که بتواند برای مطالعه یا ارجاع مفید واقع شود . تفاوت کتابشناسی شمارشی و توصیفی در این است که ، در کتابشناسی شمارشی ، اطلاعات کتابشناسی بسته به هدف تنظیم ، به حداقل ممکن کاهش می یابد . و حال آنکه در کتابشناسی توصیفی ، کلیه اطلاعا کتابشناسی که مربوط و متعلق به کتاب است براساس ضوابط از پیش تعیین شده ذکر می شوند . " باورز " کتابشناسی توصیفی را " پلی به سوی نقد ادبی " می داند . " (۴۲)

" نوعی از کتابشناسی گزارمانی است که در آن علاوه بر مشخصات اصلی کتاب ، نسخه مورد نظر از لحاظ کاغذ ، جلد و چاپ ، تصاویر و دیگر جنبه های فیزیکی ، مورد بررسی قرار گرفته ، ویژگیهای آن ذکر می شود و در مورد کتب چاپی معمولی نیز ، موضوع و محتوای کتاب را به طور خلاصه وصف و معرفی می کند . کتابشناسی نسخ خطی را از نوع کتابشناسی توصیفی می داند . " (۴۳)

۲ - انواع کتابشناسیها از نظر دامنه موضوعی

از ایندگاه ، کتابشناسی را به دو گروه "عمومی" و "اختصاصی" تقسیم می کنند .

الف - عمومی (کلی) General

" کتابهایی که در این نوع از کتابشناسیها مشخصات آن داده می شود ، منحصر به موضوعی خاص نبوده ، از گوناگونی موضوعی برخوردارند . به عبارت دیگر ، این کتابشناسی هر نوع کتابی را در بر می گیرد . " (۴۴)

" این نوع کتابشناسیها ، بیشتر به وسیله کتابداران ، ناشران و کتابفروشان مورد استفاده قرار می گیرند . کتابشناسی ملی ایران ، الذریعه الی تصانیف الشیعه ، فهرست کتابهای چاپی فارسی نمونه های خوبی برای کتابشناسی عمومی هستند . " (۴۵)

ب - اختصاصی (تخصصی) Allocated

" کتابشناسیهای اختصاصی ، به موضوع ، فرد و یا حوزه معینی اختصاص دارند ، و اغلب کار پژوهشگران است . کتابشناسیهای اختصاصی را می توان به صورت زیر تقسیم کرد :

اول - کتابشناسیهای موضوعی Subject

آقای کامران فانی گفتاری در باب " کتابشناسی موضوعی فارسی ؛ نوشته اند که به نقل سطور از آن ، در زمینه

اهمیت این گونه کتابشناسیها مبادرت می شود :

« اهمیت کتابشناسی موضوعی فارسی ، از چند لحاظ مورد توجه است : نخست آنکه مهمترین ابزار کار خواننده و کتابدار جهت گزینش کتاب است و هر گاه این کتابشناسی با توصیف کوتاهی از هر کتاب همراه باشد ، عمل گزینش را بسیار سهل می نماید و می توان ارزشیابی خود را بر مبنای همین توصیفات گذارد و گزیده ترین و مناسبترین کتابهای مورد نظر را انتخاب کرد . کتابشناسی موضوعی ، از سوی دیگر کار پژوهنده و دانشجو را سهل می کند ... از کتابشناسی موضوعی ، می توان موضوعات و مسائل خاص را استخراج کرد و کتابشنا سیهای اختصاصی ترتیب داد . مثلاً کتابشناسی موضوعی پزشکی ...

کتابشناسی موضوعی ، وضع و موقع کتاب را در ایران روشن خواهد کرد : اینکه تا کنون چه کرده ایم و اکنون در کجا ایستاده ایم و اینکه در هر رشته چه کتاب هایی منتشر شده و در چه زمینه هایی هنوز کتاب نداریم ... کتابشناسی موضوعی می تواند راهنمایی باشد برای انجام تحقیقاتی که هنوز زمینه آن خالی است و ... » (۴۶)

« کتابشناسی های موضوعی ، سیاهه یا صورتی از موادی است که در زمینه موضوعی خاص منتشر شده باشد . وقتی موضوع کتابشناسی برگزیده شد ، آنگاه محدودیتهای دیگر چون زمان ، شکل ، حدود جغرافیایی و مانند اینها را می توان در نظر داشت . با این همه ، باید گفت که چنین عواملی ، در کتابشناسی موضوعی ، بر خلاف کتابشناسی ملی کمتر در نظر گرفته می شود . کتابشناسی شعر نو در ایران ، فهرست مقالات و کتب فلسفی ، نمونه هایی از کتابشناسی موضوعی هستند . » (۴۷)

« در این نوع کتابشناسیها ، مشخصات کتابها و مواد دیگر از قبیل جزوه ، نشریه ، نقشه ، نوار ، صفحه و ... را درباره «موضوعی خاص » فهرست می کنند و طبق یکی از نظامهای رده بندی شناخته شده ، یا در داخل خود در موضوع تنظیم می نمایند . » (۴۸)

« شیوه تنظیم و ویژگیهای خاص چنین کتابشناسی به موضوع و محتوای کتابها بستگی دارند . به همین سبب ، این نوع کتابشناسی با توجه به فرم و شکل مواد و موضوعات مختلف ، بسیار فراوان و گوناگون است . چکیده ها ، نمایه ها و فهرستهای موضوعی مختلف از این دسته اند . » (۴۹)

دوم - کتابشناسی سازمانی Organazaation

« سیاهه انشئات سازمانها و موسسات مختلف دولتی و خصوصی را در بر دارند واز آنجایی که هر سازمان ، در جنبه و موضوعی فعالیت دارد ، این گونه انتشارات به موضوع یا قلمرو ویژه ای اختصاص می یابند . نظیر فهرست نشریات وزارت بهداری . » (۵۰)

سوم - کتابشناسی انفرادی (پدیدآور ، مولف یا مشاهیر) Author

« این کتابشناسی ، فهرستی است از کتابها و مقالات و به طور کلی آثار یک نویسنده یا آنچه درباره آن نوشته اند ، که گاهی توسط خود مولف و گاه توسط دیگران گردآوری می شود . » (۵۱)

۳ - انواع کتابشناسی از نظر محدوده جغرافیایی

از این نظر ، کتابشناسیها را می توان به گونه های زیر تقسیم کرد : اول - کتابشناسی جهانی Universal
« کتابشناسی جهانی ، باید هر آنچه را که در زمینه ارتباطات از آغاز تا کنون چاپ و منتشر شده و یا در آینده نزدیک انتشار خواهند یافت تا کنون در بر بگیرد ، بی آنکه به زبان ، قلمرو و جغرافیایی ، موضوعی یا شکل محدود شود . در شرایط کنونی ، یک کتابشناسی جهانی نه باری مواد غیر چاپی و نه برای مواد چاپی وجود ندارد و بیشتر به یک خواب و خیال می ماند . فهرست های کتابخانه های ملی و پاره ای فهرست های واسطه ای کتاب به کتابشناسی جهانی نزدیک اند . » (۵۳)

« کتابشناسی کلیه کتابهای جهان : یک چنین کتابشناسی یا کنون تدوین نشده است . فدراسیون بین المللی دکومانتاسیون ، اقداماتی در این زمینه انجام داد و نیز فدراسیون انجمنهای کابرداری (ایفا) ، دفتری برای « کنترل کتابشناختی جهانی » در کتابخانه موزه بریتانیا دایر کرده است . » (۵۴)

دوم - کتابشناسی منطقه ای Regional

« این کتابشناسی ، فهرست آثاری است که در یک منطقه جغرافیایی انتشار یافته باشد . تا به حال تعداد اندکی کتابشناسی که مشخصات کتابهای منتشره در گروهی از کشورهای مستقل و در عین حال وابسته به هم را در یک مجموعه در بر گرفته باشد ، منتشر شده است . در مناطقی که مشکلات و مسائل مشابهی وجود دارد ، انجام چنین طرحهایی ممکن است مفید باشد . برای نمونه «فهرست آثار چاپ جنوب شرقی آسیا » یا « فهرست آثار چاپ شده در کشورهای زبان افریقا » را می توان نام برد . » (۵۵)

سوم - کتابشناسی ملی National

« کتابشناسی ملی « فهرست آثار مربوط به یک کشور یا یک زبان را ارائه می دهد » اعم از آثار مکتوب یا دیداری و

شنیداری. کتابشناسی ملی، ممکن است "جاری" یا "گذشته نگر" باشد. کتابشناسی ملی جاری، شامل کلیه آثار مکتوب اعم از کتاب، استاد و مدارک، جزوه‌ها، پاپنها، و سایر مواد دیداری و شنیداری است که در داخل یک کشور و در زمان معینی، مثلاً سال، فصل یا ماه جاری منتشر شود. این کتابشناسی معمولاً توسط یک یا چند سازمان رسمی که طبق قلمون، دریافت کننده نسخ و اسپاری مدارک هستند به طور منظم چاپ یا به وسیله ماشینهای الکترونیکی ضبط می‌شوند. کتابشناسی ملی، ممکن است آثار مربوط به یک کشور را نیز که در خارج منتشر می‌شود در برگیرد.

تعریف یونسکو: در همکرد مستند و جامع مدارک منتشر شده در یک کشور که منظمآ در فواصل معین، به صورت چاپ شده یا شکلهای دیگر از قبیل فهرست برگه‌ای، یا نوارهای مغناطیسی قابل خواندن با ماشین و غیره، منتشر شود. (۵۶)

۴ - انواع کتابشناسیها از نظر زمانی

از این دیدگاه کتابشناسیها را به سه گروه تقسیم می‌کنند: اول - جاری (ادواری) current
" این نوع کتابشناسی، همان طور که از نامش پیداست، کتابهای منتشر شده جاری را در بر می‌گیرد و از جهت پایان کار "مقطعی برای آن در نظر گرفته نمی‌شود. کتابشناسی ملی در این گروه جای دارد. " (۵۷)
" کتابنامه‌های جاری " معمولاً به صورت ادواری منتشر می‌شوند و بر حسب فاصله انتشارشان ممکن است دارای تقسیمات زیر باشد: سالنامه، فصلنامه، ماهنامه، هفته‌نامه و روزنامه. " (۵۸)
دوم - گذشته نگر (واپس نگر، متوقف یا راکد) Retrospective
" صورت کتابهایی اسن که در یک دوره معین از زمان گذشته، منتشر شده باشد، فرضاً مانند کتابشناسی کتب فارسی در عصر قاجار. " (۵۹)
سوم - آینده نگر Prespective
" این نوع کتابشناسی، مدارک و آثاری را که قرار است در آینده منتشر شود، معرفی می‌کند و اغلب از سوی ناشرین انتشار می‌یابد. " (۶۰)

۵ - انواع کتابشناسیها از نظر شمول

از این دیدگاه، کتابشناسیها را به دو گروه تقسیم می‌کنند:
اول - کتابشناسی جامع (فراگیر) Comprehensive
" هرگاه کتابشناسی (خواه عمومی - خواه اختصاصی) سیاهه‌ای از تقریباً کلیه آثاری باشد که در آن زمینه منتشر شده‌اند. کتابشناسی جامع خوانده می‌شود. هرگاه رؤیای کتابشناسی جهانی به تحقق بیبوند، می‌توان از یک کتابشناسی جامع جهانی صحبت کرد. در شرایط فعلی، کتابشناسیهای جامع با حذف یک یا چند عامل، تهیه می‌شوند. مثلاً فهرست کتابهای چاپی فارسی‌مشار، کتابشناسی جامع عمومی از کتابهای چاپی فارسی است، یعنی محدودیت زبانی در تدوین آن رعایت شده است. " (۶۱)
دوم - کتابشناسی گزینشی (منتخب یا برگزیده) selective
" همچنان که از نام آن بر می‌آید، هرگاه گزیده‌ای از مجموعه انتشارات در زمینه‌ای یا محدوده جغرافیایی خاصی در سیاهه‌ای گردآوری کنیم، یک کتابنامه برگزیده در اختیار داریم. فی‌المثل کتابهای مناسب برای کتابخانه‌های دبستانی، دبیرستانی و عمومی، نمونه‌ای از کتابشناسی عمومی و فهرست گزیده مقالات روزنامه‌های ایران، نمونه‌ای از مقاله‌شناسی اختصاصی، ولی گزیده است. " (۶۲)
" کتابشناسی است که فقط گزینه‌ای از ادبیات موردنظر را می‌دهد. چنین گزینشی یا برای تامین نیازهای رده خاصی از استفاده‌کنندگان تهیه می‌شود، یا مواد کم‌اهمیت‌تر، جزوات و غیره را حذف می‌کند. " (۶۳)

۶ - انواع کتابشناسیها از لحاظ اطلاعات کتابشناختی

" از این نظر کتابشناسی را به دو گروه تقسیم می‌کنند
اول - گزارمانی (یا توضیحی یا تحشیه‌ای) Ammotated
نوعی کتابشناسی اسن که حاوی توضیحات کوتاهی درباره هر یک از منابع معرفی شده باشد. این توضیحات معمولاً با دید و هدقی انتقادی برای ارائه اطلاعات بیشتر و معرفی بهتر منابع در کتابشناسی درج می‌شود. همین دیدگاه است که این نوع کتابشناسی را از کتابشناسی توصیفی متمایز می‌کند. " (۶۴)
دوم - غیر گزارمانی (بدون توضیح)

انواع کتابشناسیها از نظر شکل کتابشناختی

" کتابشناسیها از لحاظ نوع و شکل موادی که سیاهه می‌کنند، دارای تقسیمات زیرند:

اول - کتابنامه (کتابشناسی)

این گونه منابع ، تنها آن دسته از مواد را سیاهه می کنند که مستقل بوده و وابسته به هیچ گونه مجموعه یا نشریه ای نباشند . شکل ظاهری موادی که به این گونه منابع راه می یابند ، ممکن است کتاب - به معنای سنتی آن - یا به اشکال دیگری از قبیل جزوه . فیلم ، میکروفیلم ، صفحه و امثال آن باشد . کتابنامه ها دو گروه عمده دارند : عمومی و اختصاصی . " (۶۵)

دوم - مقاله نامه

" مقاله نامه ها منابعی هستند که ، صرفاً مشخصات مقاله های نشریات ادواری را در بر دارند . و ممکن است عمومی یا اختصاصی باشند . " (۶۶) مانند فهرست مقالات فارسی .

سوم - چکیده نامه ها

" چکیده نامه ها ، منبعی است که علاوه بر ذکر مشخصات مقاله ها ، خلاصه ای نظام یافته از محتوای هر مقاله را ذیل نام آن مقاله ذکر می کند ، تا جوینده قبل از مراجعه به مقاله اصلی ، از محتوای آن آگاه گردد . چکیده نامه ها معمولاً موضوعی هستند . چکیده مقاله های مجله های ایران در زمینه علوم اجتماعی از آن جمله است . " (۶۷)

چهارم - جنگ نامه ها

" جنگها ، مجموعه هایی هستند که از قطعات مستقل و جداگانه ترکیب یافته باشند ، نظیر مجموعه شعر ، ... مجموعه مقالات .. منابعی که نوشته های اینگونه مجموعه ها را به تفکیک سیاهه کنند . جنگ نامه خوانده می شود . ؛ (۶۸) و بر دو دسته اند : عمومی و موضوعی .

پنجم - کتابنامه کتابشناسیها

" تعداد کتابشناسیها پیوسته رو به افزایش است و مواد اطلاعاتی از نقطه نظرهای مختلف در کتابشناسیهای متفاوت گردآوری می شوند . بنابراین به منابعی نیاز هست که کتابشناسی ها را سیاهه کنند . این گونه منابع را که کتابنامه ها ، مقاله نامه ها ، جنگ نامه ها و نظایر آنها را سیاهه می کنند ، کتابنامه کتابشناسیها می خوانند . فهرست نامه کتابشناسیهای ایران از آن جمله است . " (۶۹)

ششم - فهرست و فهرستگان

" فهرست ، سیاهه منظمی است که قسمتی و یا تمام مجموعه یک کتابخانه را در بر می گیرد . فهرست یک کتابخانه ، معمولاً به صورت برگه ای برای استفاده مراجعه کنندگان نگهداری می گردد . گاه ممکن است ، کتابخانه ای فهرست موجودی خود را به صورت چاپی نیز منتشر نماید فهرست نسخ خطی در این گروه ، از اهمیت ویژه ای برخوردار است .

مجموعه چند فهرست را در یک نظم معین و واحد ، فهرستگان می نامند که توسط آن معلوم می گردد کدام کتابخانه چه کتابهایی را دارد . " (۷۰)

هفتم - کلیدهای دیگر

" منابع دیگری می توان یافت که در هیچ یک از تقسیمات بالا نمی گنجند ؛ لیکن زیر پوشش کلی کتابشناسی قابل بحث اند و نگنجدن آنها در مقوله های فوق ، دلیلی بر بی ارزشی آنها نیست . از آن جمله اند :

الف - نقد و بررسی و معرفی کتابها

نشریاتی از قبیل راهنمای کتاب (نشر دانش ، کیهان فرهنگی) ، به نقد یا بررسی نقد گونه های از کتابهای ارزنده بازار یا وابسته به زمینه ای خاص می پردازند که برای آشنایی کلی با محتوای کتابها و نقاط ضعف و قوت آنها مفید است ...

ب - فهرست مندرجات مجله ها

منابعی هستند که رو برداشتی از صفحه فهرست مندرجات مجلات مختلف را تهیه کرده ، در یک مجموعه گرد می آورند و با فواصل انتشاراتی معین منتشر می کنند ...

ج - کتابشناسی پایان کتابها و مقالات

یکی از ارزشمندترین منابعی که می توان در یک زمینه یافت ، سیاهه منابعی است که در پایان نوشته های تحقیقی و علمی ذکر می شود . " (۷۱)

۸- کتابشناسیها از نظر شیوه تنظیم

" در تنظیم کتابشناسی یکی از سه شیوه زیر مراعات می شود :

۱ - الفبایی (یا فرهنگی)

یعنی مرتب [شده] به اسم مولف یا اسم کتاب یا رئوس موضوعات و یا مخلوطی از این هر سه - مثل کتاب لغت (فرهنگوار)

۲ - دستگاهی (موضوعی [یارده ای])

آن است که به ترتیب تقسیمبندی منظم علمی، یعنی مطابق با جدولی معین باشد. (مانند تقسیمبندی دهگانه بین المللی یا دهگانه دیوئی و نظایر آن).
۳- سنواتی (یا تقویمی)
به ترتیب تاریخ انتشار کتاب. (۷۲)

۹- انواع کتابشناسیها از نظر انتفاعی

اول- غیر انتفاعی
مانند "کتابشناسیهای که توسط کتابخانه ها و مراکز اطلاعاتی برای استفاده محققان و مراجعه کنندگان تدوین و منتشر می شود، مانند کتابشناسی ملی ایران." (۷۳)

دوم- تجاری

"کتابشناسیهای که اغلب توسط مراکز انتشاراتی و کتابفروشان منتشر می شوند." (۷۴)

۱۰- انواع کتابشناسیها از نظر وضعیت نشر

"کتابشناسی را از نظر وضعیت نشر مواد مندرج در آن نیز، می توان به چند گروه تقسیم کرد:
اول: مواد چاپی

دوم: مواد غیر چاپی - شاخه اول، فهرست پایان نامه ها، بروشورها و امثال آنهاست. شاخه دیگر، کتابشناسی مواد دیداری و شنیداری که سیاهه ای از فیلم، صفحه، نوار، عکس، اسلاید، ویدئو و امثال آنهاست.
سوم برگه ای - از آنجا که فهرست یک کتابخانه که در حکم کتابشناسی است، اغلب به صورت برگه ای نگهداری می شود، می توان آن را از نظر وضعیت نشر، کتابشناسی برگه ای به حساب آورد. (۷۵)

دیگر انواع کتابشناسیها

۱- کتابشناسی شمارشی یا نظامیافته / systematic Enumerative

"نقش اساسی این نوع کتابشناسی، تعیین و توصیف کتابهایی است که ممکن است، برای هدف خاصی مناسب بوده و یا دارای ویژگیهای مشترک باشند. این نوع کتابشناسی را از آن جهت نظامیافته می خوانند که، دو نکته در آن شایان توجه است: یکی، اطمینان بر این مطلب که عمل گردآوری، با توجه به منظور تالیف، دقیق و کامل انجام پذیرد. دیگر آنکه، عمل توصیف با ضوابط پذیرفته شده هماهنگ باشد.
در این نوع کتابشناسی، کتاب به عنوان یک "واحد فکری" مورد نظر قرار می گیرد و هدف آن، جمع آوری و تنظیم اطلاعات در باب کتاب یا کتابهای خاص به شیوه ای منطقی و مفید است. یک کتابشناسی شمارشی به مختصرترین توصیف نیاز دارد و می کوشد هر اثر و ویرایشهای مختلف آن را مشخص سازد. (۷۶)

۲- کتابشناسی انتقادی Criticl

"این کتابشناسی..... با توجه به کیفیت "انتقادی" آن در دو مورد به کار می رود:
الف) فعالیتی که همانند کتابشناسی تحلیلی، در خدمت نقد متون و نسخ قرار می گیرد که درحقیقت جنبه ای است از کتابشناسی تحلیلی.

ب) موردی است که کتابشناسی فهرستی از کتب فراهم می آورد و به نقد آنها می پردازد. که طبعاً این جنبه بیشتر به تاریخ ادبیات و نقد ادبی مربوط می شود تا به کتابشناسی. (۷۷)

کتابشناسی تاریخی Historical

"هدف این کتابشناسی مطالعه متون است با توجه به این نکته که بررسی و آزمایش دقیق ویژگیهای کتابشناختی یک اثر. گاه می تواند میزان اعتبار یک متن را روشن سازد. با توجه به هدف این کتابشناسی آن را می توان جنبه ای از کتابشناسی تحلیلی یا انتقادی شمرد. (۷۸)

دو نکته قابل تذکر آنکه: نخست - همه این کتابشناسیها به نوبه خود می توانند چندین عملکرد و موضوع داشته باشند. دیگر آنکه: "هدف از دسته بندی کتابشناسیها، بر خلاف آنچه در بدو امر شاید تصور شود تجزیه عناصر کتابشناختی مواد مکتوب نیست؛

بلکه منظور در عین تشخیص آنها، نشان دادن روابط و همبستگی آنها با یکدیگر و روشن نمودن نوعی وحدت است. (۸۰)

اهداف کتابشناسی

حال که با تاریخچه، اهمیت و ضرورت و انواع کتابشناسیها آشنا گشتیم، می توانیم باز به تکرار این مطلب بپردازیم که:

"در فرآیند تحقیق.... با شیوه های متعارف امروزی، گردآوری اسناد و مدارک (منابع و مآخذ) از اهمیت ویژه ای

برخوردار است. به واقع، ارزش و اعتبار هر پژوهشی، بستگی به حدود و ابعاد شناسایی مدارک و مآخذ دارد. پراکندگی سازمانهای تولید کننده اطلاعات و نهادها و موسسات نگهدارنده مدارک، عملاً مانع تحقق امر شناسایی و دسترسی به مدارک برای پژوهشگران است. بدین جهت امر تووین فهرستها و کتابنامه ها به جهت راهنمایی محققین در شناسایی مدارک، خود بخشی از فرآیند پژوهش است. " (۸۱)

"حبس شرا" کاربرد کتابشناسی را دارای سه هدف می داند:

۱- رابطه اطلاعاتی و علمی میان اعضای یک گروه.

۲- رابطه میان گروههای مختلف تحقیق.

۳- رابطه گروهها با افرادی که نظریه ها و فرضیات علمی را در عمل پیاده می کنند و در غایت عامه مردم. " (۸۲)

و در مرحله بعد، این اهداف را برای کتابشناسیهای تخصصی قائل شده اند:

۱. شناسایی مطالعات و تحقیقاتی که تا زمان تدوین هر کتابنامه یا تا زمان شروع هر تحقیق صورت گرفته است.

۲. واسطه، محمل و ابزار انتقال اطلاعات درباره یک موضوع.

۳. تعمیم و گسترش ابعاد مطالعاتی که در حال حاضر و در آینده صورت خواهد گرفت. " (۸۳)

خانم برومند، هدف از تهیه کتابشناسی را چنین توضیح می دهد:

"هدف تهیه کتابشناسی تنها راهنمایی پژوهشگر به محتوای یک مجموعه نیست؛ بلکه کمک به او برای پیدا کردن راه خود در میان انبوه انتشارات روزافزون است. لذا با تمامی فرآورده های مکتوب فکر انسانی، در هر جایی که بتواند از آن اطلاع یابد و یا به آن دسترسی پیدا کند، سر و کار دارد. " (۸۴) یا به عبارت دیگر: "هدف کتابشناسی باید یاری دادن به پژوهشگر در بازیافتن مواد یا کمک به تصمیم گیری برای شناسایی کتابها و مدارک مکتوب دیگری باشد که مطلوب او است. " (۸۵)

و سخن آخر در این باره، اینکه: "به طور کلی، کتابشناسیها برای یکی از سه منظور و یا ترکیبی از آنها گردآوری می شود:

۱. به عنوان سیاهه ای از آثاری که درباره یک موضوع، یا یک مکان و یا یک شخص معین باشد.

۲. به عنوان صورتی از آثاری که بتواند جوابگوی پرسش خاصی باشند.

۳. برای تعیین محل، دستیابی و بازشناسی آثار خاص. " (۸۶)

خصوصیات کتابشناسی

آمده است که کتابشناسی در هر سطحی که می خواهد ارائه گردد، باید بر سه رکن استوار باشد:

۱. گردآوری و تدوین کامل همه منابع اطلاعاتی چاپ شده و چاپ نشده.

۲. شناسایی اماکن مختلفی که این منابع در آنجا قرار دارند.

۳. فراهم آوردن کتابشناسی موضوعی کلیه علوم.

این ارکان مهم، خود بر اصول یاستوارند که عبارتند از: رعایت قانونامانت یا ثبت انتشارات، پدید آوردن کتابشناسی واحد به وسیله تهیه فهرستهای واحد با استفاده از منابع اطلاعاتی و رعایت اصول صحیح فهرستنویسی و هماهنگ کردن ارتباطات و تبادلات میان کتابخانه ها و موسسات که در زمینه کتابشناسی فعالیت دارند. " (۸۷)

و نیز نوشته اند:

"برای تهیه یک کتابشناسی، دو مرحله اساسی لازم است. نخست، شناخت کامل اینکه چه چیز موردنیاز است. و دوم، تعیین سطح و میزان مورد لزوم در آن موضوع... در تهیه و استفاده از کتابشناسی، بایستی از اصولی معین پیروی کرد که پاره ای از آنها چنین است:

۱. درجه اعتبار و اعتماد

۲. حدود موضوع

۳. نحوه تنظیم کتابشناسی

۴. اطلاعات کتابشناختی

۵. برآورد و آزمایش کارایی آنچه شده است. " (۸۸)

و آقای ایرج افشار بر این اندیشه است که: "محقق امروز در طریق تتبع و تحقیق به شیوه علمی، ناچار از آن است که جمیع مدارک و مآخذ موجود در موضوع تحقیق خود را بشناسد، تا بتواند اهمیت و اعتبار هر یک را درست بسنجد و آنها را که معتبر و اساسی است مورد استفاده قرار بدهد. بنابراین، باید به مرجعی مراجعه کند که حاوی نام و نشان جمیع کتب و مقالات مربوط به تحقیق او باشد. " (۸۹)

و سر انجام آنکه: "تنظیم دقیق مطالب و گروه بندی صحیح موضوعات، از خصایص اساسی فهرست مقالات (و کتابشناسی) باید شمرده شود. سبک گردآوری باید چنان باشد که دانشپژوه بتواند با صرف حداقل وقت، موضوعات و منابع مورد علاقه خود را در چنین نشریه ای (یا کتابی) بیابد. از شروط ضروری دیگر، جامع و مانع بودن گروه بندی

است: گروه بندي موضوعات بايد از يك سو جامع باشد، يعني جامع جميع موضوعات درزمينه مورد نظر و از سوي ديگر مانع ورود موضوعات ديگر و مطالب بيگانه در آن گروه گردد. با در نظر گرفتن چنين شرايطي، هر عنواني بايد همه آنچه را كه به زمينه اش ارتباط دارد و دسترسي به آنها ممكن است، در بر گيرد و بين عناوين رابطه منطقي برقرار شود تا هم از دوباره گويي احتراز گردد و هم پژوهنده را اتلاف حاصل نشود. (۹۰)

نتيجه و پيشنهاد

كتاب، عصاره تجريه، دانش و عمر انسانهاست و نشانه هئيت و شهصيت يك ملا و كشور محسوب مي شود. كتاب، وظيفه انتقال آموخته ها و تجربه هاي نسلهاي پيشين را به نسلهاي پسين بر عهده دارد، و در يك كلام: كتاب، پايه اصلي تمدن بشري است.

هر چند " امروزه از كتاب به عنوان تنها وسيله ثبت و انتقال اطلاعات نمي توان استفاده كرد، وسايل ديگري نظير فيلم، ميكروفيلم، صفحه، نوار و نماير آن را بايد در اين زمينه در نظر داشت. علم نيز در ارتباط با تبوه مدارك علمي با رشد تصاعدي در حال توسعه است و دانشمندان هر چه بيشتر درباره موضوعات گوناگون تحقيق كنند، قلمرو و پژوهش آنها وسيعتر شده و نرخ افزايش رشد علم بالاتر خواهد رفت. " (۹۱)

براي آگاهي از وجود اين گنجينه ها، به كتابشناسيها نياز داريم. و اين ميسر نمي گردد مگر با پشتكار و همت انديشوران و فرهيختگان و كمك سازمانهاي دولتي و ملي. كتابشناسيها، در راستاي تدوين و چاپ به دلايل گوناگوني - كه مورد اشاره قرار خواهند گرفت - با دشواريهاي چندگانه اي رو به رو هستند كه، هم پژوهندگان و هم ناشران، چندان تمايلي به روي آوردن به آنها را ندارند.

درزير اهم اين دشواريها برشمردده ميشود:

۱- با توجه به پايين بودن درصد محققان در ايران و به طور مضاعف، كساني كه به كارهاي مرجعوني سي علاقه دارند از سويي، و عدم توجه كافي به اهميت كتابهاي مرجع از سوي ديگر، تيراژ اين گونه كتابها هميشه پايين است (بين ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ جلد). از اين رو، كتابخانه ها و مراكز پژوهشي، بويژه در شهرستانها با كمبود اين سري كتابها مواجه هستند.

آقاي فاني، به درستي بر اين نكته تاكيد مي ورزد كه: " شرط اول تدوين كتابشناسي موضوعي فارسي، در اختيار داشتن تمام كتابهاي چاپي فارسي است. ... متاسفانه هيچ كتابخانه اي در ايران تمامي كتابهاي فارسي را در بر ندارد و حتي در همه كتابخانه هاي ايران نيز، مجموعه كامل كتابهاي فارسي موجود نيست. بسياري از كتابهاي فارسي، هنوز در كتابخانه هاي شخصي و يا كتابخانه هاي مصر و هند و تركيه و اروپا مضبوط است و از اين رو، براي تدوين كتابشناسي جامع ايران، همكاري تمام اين كتابخانه ها به ناچار لازم است. انتشارات دولتي و حتي فهرست نام آنها را مشكل بتوان در جايي سراغ گرفت. همكاري ادارات و موسسات دولتي نيز، در فراهم آوردن اين مجموعه البته لازم است. " (۹۲)

۲- چه پيش از انقلاب اسلامي، و چه پس از آن، اعم از زماني كه كاغذ ارزان بود و يا اكنون كه كاغذ از لحاظ قيمت در گرانترين وضعيت خود فرا ردارد، ناشران با توجه به ميزان فروش كم كتابهاي كتابشناسي، كمتر به سراغ اين گونه كتابها مي روند.

۳- تهيه و تدوين كتابشناسي از سويي، كاري است وقتگير كه به حوصله بسيار نياز دارد و از سوي ديگر، كاري است بي درآمد! بدين خاطر، غير از معدودي - كه عشق فراوان بدين كار دارند - اكثريت پژوهندگان به دنبال كارهايي مي روند كه حداقل، مي دانند " فروش دارد " و مي توانند از زمحل چاپ آن، به حداقلي از درآمد دست يابند.

۴- قبلاً چندين مركز دولتي و نيمه دولتي وجود داشت كه اين بخش از پژوهشگران را زير چتر حمايت خود قرار ميداد و كارهايشان را به چاپ مي سپرد (مانند دانشگاه تهران، كتابخانه ملي، مركز خدمات كتابداري، بنگاه ترجمه و نشر كتاب، انجمن آثار ملي، مركز اسناد فرهنگي آسيا و ...). اما اكنون به غير از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي (مركز مدارك فرهنگي) و مركز اطلاعات و مدارك علمي ايران كه آنها هم سعي مي كنند بيشتر، كارهاي تهيه و تدوين شده در خود آن مراكز را چاپ كنند، موسسه اي نيست كه اين فعاليتهاي پراكنده را زير پوشش خود داشته باشد. و با سرمايه گذاري و با در اختيار قرار دادن امكانات مادي و معنوي، دشواريهاي تدوين كتابهاي كتابشناسي را از سر راه بردارد - مركزي كه بتواند دانه هاي درشت و پراكنده " تحقيق " را از يك نخ تسبيح بگذراند.

۵- با توجه به موارد گفته شده، گاهي ه تا كنون به عنوان كتابشناسي چاپ شده، (چه در مراكز دولتي و چه در موسسات خصوصي) هر كدام تا اندازه اي و بنا به دلايل زير ناقص است:

الف - خود جوش و تنها از روي علاقه انجام شده است؛

ب - تعضاً از موازين علمي و استانداردهاي مربوط به دور بوده است؛

پ - " گروهي " نبوده و در هر صورت، به وسيله يك نفر انجام شده و به همين جهت غالباً اين گونه انتشارات - چه آثار دولتي و چه آثار خصوصي - به طور ناقص انتشار يافته است. حتي كار پر زحمت و در خور تقدير خانابا مشار " فهرست كتابهاي فارسي " (در پنج جلد) كه بنا بر مشخصات آن، كتابهاي تا سال ۱۳۵۵ را در بر ميگيرد، علي رغم

آنکه سه بار ویرایش شده است. هنوز به پیوسته‌یابی نیاز دارد تا بتوان آن را تکمیل کرد.

مطلبی که درباره کتابشناسی، ۲۵ سال پیش - در مقدمه کتابی ایران - چاپ شده، متأسفانه هنوز هم تازه است: "هنوز خود ما (چه ناشران ما، چه کتابخوانان ما) به فایده عظیم این کار وقوف نیافته ایم. نمی دانیم که در دنیای امروز، کتابشناسی برای کتابخوان و کتابشناس و کتابدار و کتاب نویس و کتابفروش و کتابدوست و کتابخانه لازم ترین وسیله کار است. فرنگیها به این جزوات کوچک توجه کافی کردند و غالب کتابخانه های آنها که کتب مربوط به ایران جمع می کنند، دوره آن را تهیه کردند... تدوین کتابشناسی ایران بنابر قاعده باید در عهده کتابخانه ملی باشد. اما دستگاههای اداری و دولتی ما چندان بی اعتنا یا بی سرمایه اند که با این گونه امور کمتر توجه می کنند. طبیعی است که چون وزارت فرهنگ، کتابخانه ملی را معاضدت کافی نمی کند آن کتابخانه نمی تواند کوششی در این گونه امور مهم و اساسی داشته باشد. شرط اول برای اینکه کتابخانه ملی توفیق تهیه چنین مجموعه ای را پیدا کند، آن است که قانون اهدای کتاب رایگان و اجباری کاملاً اجرا شود و جمیع کتب و نشریات و اوراقی که در ایران به طبع می رسد، به کتابخانه ملی (طهران) واصل گردد. شرط دوم تربیت عده ای کتابدهر و کتابشناس با شور و شوق است که با دقت و علاقه و مطابق روشهای مرسوم علمی امروز، کتب و نشریات هر سال را فهرست کنند متأسفانه هیچ یک از این شرایط اکنون جمع نیست." (۹۳)

امیدواریم که در این دوران که بیش از پیش به ضرورت و اهمیت کارهای علمی و سامان یافته و پرهیز از دوباره کاریها و اتلاف وقت واقف گشته ایم، مسئولان مراکز ذیربط، تسهیلات و امکاناتی در جهت راه اندازی مراکزی برای حمایت از پژوهشگران و چاپ کتابهای مرجع و پایه فراهم کند. (۹۴)

منابع و مآخذ

- ۱- عباس ماهیار، مرجع شناسی (۱) (تهران: دانشگاه پیام نور، چاپ دوم ۱۳۶۹) ص ۲۵
- ۲- عباس حری، "وحدت در کتابشناسی" نامه انجمن کتابداران، دوره ۹، شماره ۲ (تابستان ۱۳۵۵) ص ۲۰۷-۲۰۸
- ۳ و ۴- همان، ص ۲۰۹ و ۲۱۰
- ۵- عباس حری، مراجع و بهره گیری از آنها (تهران: مراکز اسناد فرهنگی آسیا، ۱۳۵۶) ص ۵۱
- ۶- عبد الحسین آذرنگ، فرهنگ اصطلاحات دکومانتاسیون (تهران: مرکز مدارک علمی، ۱۳۵۹) ص ۱۹
- ۷- پوری سلطانی، پروین فروردین، اصطلاحنامه کتابداری (تهران: کتابخانه ملی، ویرایش دوم ۱۳۶۵) ص ۲۴۵
- ۸- هوشنگ ابرامی، شناختی از دانش شناسی (تهران: انجمن کتابداران ایران، ۱۳۵۶) ص ۱۵۴
- ۹- کامران فانی، کتابشناسی موضوعی فارسی "نامه انجمن کتابداران ایران، سال ۶ شماره ۲ (تابستان ۱۳۵۲) ص ۷۵
- ۱۰- ایرج افشار، "فهرست نامه کتابشناسی های ایران" ایران شناسی، شماره ۱ (بهار ۱۳۴۹) ص ۶
- ۱۱- سازمان نقشه برداری کشور، کتابشناسی جغرافیای ایران، جلد اول (تهران: ۱۳۶۵) ص ۱
- ۱۲- جهاد دانشگاهی، کتابشناسی توصیفی جغرافیا (تهران: ۱۳۶۹) ص ۱
- ۱۳- مهرداد نیکنام، کتابشناسی حافظ (تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۶۷) ص ۹
- ۱۴ و ۱۵- جی. ام. کانیتکا، "دکومانتاسیون و علم کتابداری"، ترجمه عبد الحسین آذرنگ. اطلاع رسانی، سال ۵، شماره ۱ (بهار ۱۳۵۷) ص ۱۳-۱۵
- ۱۶- غلام حسین تسبیحی، نگرشی جامع بر جهان کتابشناسی ها (تبریز: نیما، ۱۳۶۵) ص ۳۴
- ۱۷- کامران فانی، پیشین ص ۷۵
- ۱۸- حسین دانشی، "از کتابشناسی تا دکومانتاسیون" اطلاع رسانی، سال ۴، شماره ۳ و ۴ (۱۳۶۵) ص ۱
- ۱۹- نور الله مرادی، "با کتابهای مرجع آشنا شوید ۱- کتابشناسی ها" کتابدار، دوره ۲، شماره ۱ و ۲ (تابستان ۱۳۵۱) ص ۴۸
- ۲۰ و ۲۱- ایرج افشار، پیشین، ص ۱
- ۲۲- غلام حسین تسبیحی پیشین، ص ۳۴
- ۲۳- ایرج افشار، پیشین، ص ۱۴-۱۵
- ۲۴- کامران فانی، پیشین، ص ۷۹
- ۲۵، ۲۶، ۲۷- محسن صبا، "اهمیت کتابشناسی" کتابداری، دفتر چهارم، ص ۳۶-۳۵
- ۲۸- ایرج افشار، پیشین، ص ۲
- ۲۹- عبد الحسین فرج پهلوی، کتابشناسی توصیفی انتشارات دانشگاه شهید چمران اهواز (اهواز: دانشگاه شهید چمران، ۱۳۶۳) ص ۲۰
- ۳۰- نور الله مرادی، پیشین، ص ۴۶-۴۷
- ۳۱- ابوالقاسم راد فر، حافظ پژوهان و حافظ پژوهی (تهران: گستره، ۱۳۶۸) ص ۱۰۹

- ۳۲- علي اكبر آقا بخشي ، محمد نقی مهدوي ، كتابشناسي كتابشناسيها (تهران : مركز اسناد و مدارك علمي ايران ، ۱۳۶۳) مقدمه
- ۳۳- صديقه موحد ، فهرست تحليلي مقالات مجله هنر و مردم (تهران : مركز اسناد و مدارك علمي ، ۱۳۶۵) ص ۱
- ۳۴- ايرج افشار ، كتابشناسي دهساله (تهران : انجمن كتاب ، ۱۳۴۶) ص ۳
- ۳۵- محمد علي رونق فهرست راهنماي ده ساله نشر دانش (تهران : مركز نشر دانشگاهي ، ۱۳۷۰) ص ۱
- ۳۶- محسن صبا ، پيشين ، ص ۲۵
- ۳۷ و ۳۸- هوشنگ ابرامي ، پيشين ، ص ۱۵۴
- ۳۹- نورالله مرادي ، پيشين ، ص ۴۸
- ۴۰- فيروزه برومند ، راهنماي تدوين كتابشناسي (تهران : سازمان مدارك فرهنگي انقلاب اسلامي ، ۱۳۶۸) ص ۵۰
- ۴۱- نور الله مرادي ، پيشين ، ص ۴۸
- ۴۲- عباس حري ، " وحدت در كتابشناسي " ، پيشين ، ص ۲۱۲
- ۴۳ و ۴۴- فيروزه برومند ، پيشين ، ص ۱۰ و ۱۶
- ۴۵- نور الله مرادي ، پيشين ، ص ۴۹
- ۴۶- كامران فاني ، پيشين . ص ۷۶ - ۷۷
- ۴۷- نور الله مرادي ، پيشين ، ص ۴۹
- ۴۸- فيروز برومند ، پيشين ، ص ۱۸
- ۴۹- عباس حري ، " وحدت در كتابشناسي " ، پيشين ، ص ۲۱۴
- ۵۰- عباس حري ، مراجع و بهره گيري از آنها ، پيشين ، ص ۵۳
- ۵۱- فيروزه برومند ، پيشين ، ص ۱۸
- ۵۲- مهرداد نيكنام ، پيشين ، ص نه
- ۵۳- نور الله مرادي ، پيشين ، ص ۴۹
- ۵۴- پوري سلطاني ، پروين فروردين ، پيشين ، ص ۲۴۷
- ۵۵- فيروزه برومند ، پيشين ، ص ۱۷
- ۵۶- پوري سلطاني ، پروين فروردين ، پيشين ، ص ۲۴۸ - ۲۴۹
- ۵۷- فيروزه برومند ، پيشين ، ص ۲۱
- ۵۸- عباس حري ، مراجع و بهره گيري از آنها ، پيشين ، ص ۵۲
- ۵۹- ايرج افشار ، " فهرست نامه كتابشناسيهاي ايران " ، پيشين ، ص ۷
- ۶۰- فيروزه برومند ، پيشين ، ص ۲۲
- ۶۱ و ۶۲- نور الله مرادي ، پيشين ، ص ۵۰
- ۶۳- پوري سلطاني ، پروين فروردين ، پيشين ، ص ۲۴۸
- ۶۴- فيروزه برومند ، پيشين ، ص ۱۵
- ۶۵ - ۶۹- عباس حري ، مراجع و بهره گيري از آنها ، پيشين ، ص ۵۱ - ۵۵
- ۷۰- نورالله ، مرادي ، پيشين ، ص ۵۱ - ۵۲
- ۷۱- عباس حري ، مراجع و بهره گيري از آنها ، پيشين ، ص ۵۵ - ۵۶
- ۷۲- ايرج افشار ، " فهرست نامه كتابشناسي هاي ايران " ، پيشين ، ص ۷
- ۷۳ و ۷۴- نورالله مرادي ، پيشين ، ص ۵۲
- ۷۵- همان ، ص ۵۳ (با تلخيص)
- ۷۶- ۸۰- عباس حري ، " وحدت در كتابشناسي " ، پيشين ، ص ۲۱۲ ، ۲۱۳ ، ۲۱۴ ، ۲۱۵
- ۸۱- طاهره مفتخري نظري پور ، كتابنامه معماري (تهران : مركز تحقيقات ساختمان و مسكن ، ۱۳۶۹) مقدمه
- ۸۲- عباس حري ، " وحدت در كتابشناسي " ، پيشين ، ص ۲۱۷ - ۲۱۸
- ۸۳- طاهره مفتخري نظري پور ، پيشين ، مقدمه
- ۸۴ و ۸۵ - فيروزه برومند ، پيشين ، ص ۶ و ۷
- ۸۶ - نور الله مرادي ، پيشين ، ص ۵۳ - ۵۴
- ۸۷ - محمد محمد الهادي ، " فرآيند كتابشناس يدر جهان عرب " ترجمه لميعة ضميري . نامه انجمن كتابداران ايران ، دوره ۱۱ ، شماره ۱ (بهار ۱۳۵۷) ص ۶۶ - ۶۷
- ۸۸ - نورالله مرادي ، پيشين ، ص ۵۴ - ۵۵ (با تلخيص)
- ۸۹ - ايرج افشار ، " فهرست نامه كتابشناسيهاي ايران " پيشين ، ص ۱
- ۹۰ - موسسه اطلاعات و تحقيقات اجتماعي ، فهرست مقالات مردم شناسي ، جلد اول (تهران : ۱۳۵۶) ص يك - دو

- ۹۱ - احمد میرزاده ، اصول نگاهداری و بازیابی مدارك فارسي (تهران: سروش ، ۱۳۵۸) ص ۹
- ۹۲ - کامران فاني ، پیشین ، ص ۸۰
- ۹۳ - ایرج افشار ، کتابشناسي دهساله ، پیشین ، ص ۴ و ۵
- ۹۴ - حسین مسرت ، " مرجع نگاري و دشواريهاي آن در ايران " ادبستان ، شماره ۱۶ (فروردین ۱۳۷۰) ص ۵۹
- نیز نگاه کنید به :
- آذرنگ ، عبدالحسین . کتابشناسي " کتاب امروز (بهار ۱۳۵۱) ص ۶۸ - ۷۲
- افشار ، ایرج . " کتابشناسي مهمترين وسيله ايرانشناسي " . راهنمای کتاب ، سال ۹ و ص ۲۵۱ - ۲۴۷



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی